

ربودن ۳ دانش‌آموز مقابل مدرسه در ایرانشهر

سه دانش‌آموز در ایرانشهر به‌دست چهار سرنشین یک دستگاه خودروی پژو و در مقابل مدرسه ربوده شدند. پلیس اعلام کرده‌است عملیات برای شناسایی و دستگیری عاملان این حادثه و پیگیری وضعیت دانش‌آموزان ادامه دارد.

به گزارش «جوان»، سرهنگ قاسم اسماعیل‌زاده، فرمانده انتظامی شهرستان ایرانشهر گفت: پس از اعلام وقوع گروگانگیری در ایرانشهر، مأموران انتظامی بلافاصله به محل اعزام شدند و بررسی‌های اولیه نشان داد چهار سرنشین یک دستگاه خودروی پژو، سه دانش‌آموز را مقابل درِ مدرسه ربوده و از محل متواری شده‌اند. مأموران با انجام اقدامات تخصصی و میدانی، بررسی ابعاد حادثه و جمع‌آوری سرنخ‌های موجود را آغاز کرده‌اند. به گفته وی، تلاش پلیس برای شناسایی و دستگیری عاملان این اقدام و همچنین پیگیری وضعیت سه دانش‌آموز ربوده‌شده ادامه دارد.

پراید سوخته به ۵ خودرو خسارت زد

آتش‌سوزی یک دستگاه خودروی پراید در خیابان آزادی تهران، به پنج خودروی پارک‌شده در حاشیه خیابان خسارت وارد کرد.

جلال ملکی، سخنگوی سازمان آتش‌نشانی تهران، به «جوان» گفت: ساعت ۱۱:۴۷ روز گذشته، گزارش آتش‌سوزی یک دستگاه خودروی سواری در مسیر شرق به غرب خیابان آزادی، ابتدای خیابان جیحون، به سامانه آتش‌نشانی اعلام شد و بلافاصله نیروهای دو ایستگاه به محل اعزام شدند. بررسی‌ها نشان داد یک دستگاه پراید که دو مرد سرنشین آن بودند، هنگام حرکت و به علتی که هنوز مشخص نشده، دچار آتش‌سوزی شده و شعله‌های آتش تمام خودرو را فرا گرفته‌است. ملکی ادامه داد: حرارت و شعله‌های ناشی از این آتش‌سوزی به پنج دستگاه خودروی پارک‌شده در حاشیه خیابان نیز سرایت کرد و بخش‌هایی از جمله رنگ، گلگیر و سپر این خودروها آسیب دید. این خودروها در آستانه شعله‌ور شدن قرار داشتند که آتش‌نشانان با اقدام سریع از گسترش آتش جلوگیری کردند. سخنگوی سازمان آتش‌نشانی تهران با اشاره به اینکه هر دو سرنشین پراید پیش از رسیدن نیروهای عملیاتی از خودرو خارج شده‌بودند، گفت: خوشبختانه این حادثه هیچ مصدوم یا تلفات جانی نداشت. علت حادثه در دست بررسی است.

پسر خشمگین قاتل شد

پسر خشمگین که متهم است در پی اختلافات خانوادگی و با ضربات چاقو خواهر ۱۹ ساله خود را در روستای کودیان شیراز به قتل رسانده، با تلاش کارآگاهان پلیس آگاهی فارس دستگیر شد.

سرهنگ محمود حافظی، رئیس پلیس آگاهی استان فارس گفت: ۲۱ آبان‌ماه امسال، گزارشی مبنی بر کشف جسد دختری ۱۹ ساله در روستای کودیان از طریق مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ اعلام شد و مأموران انتظامی برای بررسی موضوع به محل اعزام شدند. بررسی‌های اولیه و تحقیقات از اهالی محل و اعضای خانواده متوفی نشان داد که برادر ۲۱ ساله این دختر، بر سر اختلافات خانوادگی با خواهرش درگیر شده و سپس با استفاده از سلاح سرد، او را به قتل رسانده‌است که متهم بازداشت شد و اعتراف کرد بعد از مشاجره بر سر اختلاف خانوادگی کنترل رفتارش را از دست داده و حادثه را رقم زده‌است.

ضربه مشت بوکسور عقاب راهزن را زمینگیر کرد



غلامرضا مسکنی

سارق حرفه‌ای که خود را عقاب خیابان‌ها می‌دانست، پس از ناکامی در موبایل‌قاپی به راهزنی روی آورد و با همدستی چهار نفر دیگر، کامیون‌ها را در پوشش مأمور پلیس متوقف و محموله‌های آنها را سرقت می‌کرد، اما آخرین طعمه او یک راننده بوکسور بود که با یک ضربه، نقشه سرقت را برهم زد.

اوایل تابستان امسال، گزارش سرقت مسلحانه یک کامیون باری در اطراف تهران به پلیس اعلام شد. بررسی‌های اولیه نشان داد چند مرد مسلح با معرفی خود به‌عنوان مأمور پلیس، کامیون حامل بار سیگار را متوقف کرده و پس از بستن دست‌وپای راننده، او را در بیابان‌های اطراف رها کرده‌اند.

راننده کامیون که با کمک یک راننده عبوری نجات پیدا کرده‌بود، پس از حضور در اداره پلیس درباره جزئیات حادثه گفت: «بار سیگار را از یکی از شهرهای جنوبی کشور به مقصد تهران بارگیری کرده‌بودم که در نزدیکی تهران یک دستگاه پژو مجهز به تجهیزات پلیسی راهم را سد کرد. تصور کردم مأمور هستند و توقف کردم. راننده داخل خودرو ماند و سه مرد جوان هیکلی که بی‌سیم و اسلحه کمری داشتند، به طرفم آمدند. آنها مدعی شدند گزارش قاچاق بودن بار کامیونم به پلیس رسیده و باید به اداره پلیس منتقل شوم. اما ناگهان به من حمله کردند و پس از بستن دست‌وپا و چشم‌هایم، مرا داخل پژو انداختند. یکی از آنها پشت فرمان کامیون نشست و دیگران مرا به بیابان‌های اطراف بردند و رها کردند. اگر راننده عبوری مرا پیدا نمی‌کرد، معلوم نبود چه اتفاقی برایم رخ دهد.»

با ثبت این شکایت، پرونده به دستور بازپرس دادسرا در اختیار کارآگاهان پلیس پایتخت قرار گرفت و تحقیقات برای شناسایی سارقان آغاز شد.

ردپای همدست در جنوب کشور

در حالی که تحقیقات ادامه داشت، شکایت‌های مشابه دیگری به پلیس رسید. بررسی اظهارات شاکیان نشان می‌داد همه آنها رانندگان کامیونی هستند که در جاده‌های اطراف تهران هدف سرقت افرادی قرار گرفته‌اند که خود را مأمور پلیس معرفی می‌کنند.

کارآگاهان در جریان بررسی‌ها دریافتند یکی از اعضای باند در شهرهای جنوبی کشور و در محل بارگیری کامیون‌ها مستقر است. او با شناسایی کامیون‌های حامل محموله‌های ارزشمند از جمله سیگار، تجهیزات تلفن همراه و قطعات خودرو، اطلاعات لازم را در اختیار همدستانش قرار می‌داد. اعضای دیگر باند نیز با کمین در جاده‌های منتهی به پایتخت، کامیون‌ها را متوقف و محموله‌های آنها را سرقت می‌کردند.

تحقیقات همچنین نشان داد سارقان برای اجرای نقشه‌های خود از خودروهای سرقتی استفاده می‌کنند و پس از هر سرقت، خودرو را در نقطه‌ای خلوت رها کرده و سراغ خودروی دیگری می‌روند. آنها کامیون‌های سرقتی را نیز پس از تخلیه بار در مناطق خلوت اطراف تهران رها می‌کردند تا ردی از خود باقی نگذارند.

ضربه بوکسور به باند راهزنان

اعضای باند تصور می‌کردند با این شیوه هیچ ردی از خود باقی نمی‌گذارند، اما در جریان آخرین سرقت با راننده‌ای روبه‌رو شدند که برخلاف دیگر قربانیان، تسلیم آنها نشد. در این حادثه، راهزنان با همان شگرد همیشگی و در پوشش مأمور پلیس، کامیونی را که از یکی از شهرهای جنوبی کشور به مقصد تهران تجهیزات تلفن همراه حمل می‌کرد، متوقف کردند. راننده خیلی زود متوجه شد افراد مقابلش مأمور پلیس نیستند و قصد سرقت محموله را دارند. به همین دلیل با آنها درگیر شد. راننده که بوکسور حرفه‌ای بود، با وارد کردن ضربه‌ای محکم یکی از سارقان را بیهوش کرد. دیگر اعضای باند که متوجه نزدیک شدن چند کامیون دیگر به محل شده‌بودند، محموله را سرقت کردند و با رها کردن همدست بیهوش خود گریختند.

راننده پس از فرار سارقان با پلیس تماس گرفت و متهم بیهوش را تحویل مأموران داد. بررسی‌های بعدی نشان داد مرد دستگیرشده یکی از اعضای باند راهزنی است که از چند ماه قبل به اتهام سرقت سریالی محموله کامیون‌ها تحت تعقیب قرار داشت.

اعتراف به ده‌ها سرقت

متهم پس از انتقال به اداره پلیس، در جریان بازجویی‌ها به سرقت‌های سریالی با همدستی چهار مرد دیگر اعتراف کرد. در ادامه، کارآگاهان با استفاده از اطلاعات به‌دست‌آمده، هویت دیگر اعضای باند را شناسایی و آنها را در عملیات‌های جداگانه بازداشت کردند. متهمان در تحقیقات به ده‌ها فقره سرقت محموله کامیون‌ها با همین شگرد اعتراف کردند و تحقیقات برای شناسایی سایر جرائم احتمالی و کشف اموال مسروقه ادامه دارد.

راهزنی که خودش را عقاب می‌داند

بهزاد، سارق سابقه‌داری است که پیش از این در زمینه موبایل‌قاپی فعالیت می‌کرد. او می‌گوید دوستانش به دلیل سرعت عملش در سرقت گوشی تلفن همراه، لقب «عقاب» را به او داده بودند. اما بهزاد که به دنبال درآمد بیشتری بود، تصمیم گرفت شیوه سرقتش را تغییر دهد و این بار به جای خیابان‌ها، در جاده‌ها کمین کند و به راهزن جاده‌ای تبدیل شود.

گفت‌وگو با متهم

خودت را معرفی کن.

بهزاد هستم و سابقه سرقت دارم.

چه چیزی سرقت می‌کردی؟

قبلاً موبایل‌قاپ بودم و در این کار حرفه‌ای عمل می‌کردم. بین دوستانم به «عقاب خیابان‌ها» معروف شده بودم.

چرا به تو لقب عقاب داده بودند؟

چون هم تیزبین بودم و هم سرعت عمل بالایی داشتم. چشم‌هایم خیلی تیز بود و کافی بود کسی را در خیابان در حال صحبت با تلفن همراه ببینم. از فاصله دور تشخیص می‌دادم گوشی چه مارکی است و ارزش سرقت دارد یا نه. بعد هم در یک چشم به هم زدن گوشی را از دست صاحبش می‌قاپیدم و با سرعت فرار می‌کردم.

چه شد که از موبایل‌قاپی به راهزنی در جاده‌ها روی آوردی؟

موبایل‌قاپی دردسر زیادی داشت. باید در خیابان دنبال طعمه می‌گشتم و هر لحظه احتمال داشت با پلیس روبه‌رو شوم. از طرفی هنگام فرار ممکن بود تصادف کنم یا گرفتار شوم. درآمدش هم چندان زیاد نبود. گوشی را با هزار دردسر سرقت می‌کردیم و در نهایت مجبور بودیم آن را با قیمت پایینی به مالخر بفروشیم. آخرین باری که دستگیر شدم، تصمیم گرفتم بعد از آزادی سراغ راهزنی بروم، چون با سرقت یک محموله می‌توانستم پول هنگفتی به دست بیاورم.

از راهزنی چقدر درآمد داشتی؟

مثلاً در یکی از سرقت‌ها سهم من ۳۰۰ میلیون تومان شد.

چطور باندتان را تشکیل دادی؟

بعد از آزادی از زندان سراغ یکی از دوستانم رفتم که قبلاً بازاریاب بود، اما او هم از محل کارش اخراج شده بود. تصمیم گرفتیم با هم این کار را شروع کنیم. دو نفر دیگر را هم دوستان زندانی‌ام معرفی کردند که در سرقت حرفه‌ای بودند. به این ترتیب با یک سارق دیگر یک باند پنج‌نفره تشکیل دادیم. یکی از اعضا در جنوب کشور مستقر بود و اطلاعات کامیون‌های حامل بار را به ما می‌داد. ما چهار نفر هم در جاده‌ها و در پوشش مأمور پلیس، کامیون‌ها را متوقف و محموله‌هایشان را سرقت می‌کردیم.

محموله‌های سرقتی را به چه کسی می‌فروختید؟

برای محموله‌ها در بازارهای مختلف مشتری پیدا می‌کردیم و آنها را می‌فروختیم.

فکر می‌کردی به این زودی دستگیر شوی؟

نه، تصور نمی‌کردم به این زودی گرفتار شویم. نقشه‌هایمان حساب‌شده بود و سعی می‌کردیم هیچ ردی از خودمان باقی نگذاریم. خودروهایی هم که استفاده می‌کردیم سرقتی بودند و بعد از هر سرقت آنها را رها می‌کردیم. از طرفی در ابتدا سراغ کامیون‌هایی می‌رفتیم که بار قاچاق حمل می‌کردند و فکر می‌کردیم رانندگانشان کمتر شکایت می‌کنند. اما در آخرین سرقت با راننده‌ای روبه‌رو شدیم که بوکسور حرفه‌ای بود. او یکی از همدستانم را با ضربه‌ای بیهوش کرد و همین اتفاق باعث شد نقشه‌هایمان نقش بر آب شود.

یادداشت

نظارت بر فعالیت اقتصادی پلتفرم‌ها



سرهنگ علی صباحی‌فر
معاون اجتماعی پلیس امنیت اقتصادی

سریال، امروز مهم‌ترین رسانه خانوادگی است. آنچه شب‌ها در اتاق نشیمن پخش می‌شود، سال‌ها در ذهن مخاطب می‌ماند و بر الگوی رفتار، سبک زندگی و حتی آرزوهای نسل جوان اثر می‌گذارد. به همین دلیل، تولید سریال یک فعالیت صرفاً تجاری نیست و مسئولیت اجتماعی هم دارد. منتقدان وضع موجود می‌گویند بخشی از پلتفرم‌های خصوصی این مسئولیت را فراموش کرده‌اند. یکی از گلایه‌های رایج این است که در بسیاری از سریال‌ها، قصه فدای حاشیه شده است: قسمت‌های کش‌دار، گره‌های بی‌دلیل و داستانی که برای پر کردن زمان ادامه پیدا می‌کند. وقتی جذابیت روایی ضعیف باشد، سازنده به سراغ ابزار ساده‌تری می‌رود: شوک‌دادن. شکستن تابوها و نمایش رفتارهای خلاف عرف، راه میان‌بری برای دیده‌شدن و جنجال‌آفرینی است. این یعنی به‌جای ارتقای کیفیت هنری، از حساسیت‌های اجتماعی به‌عنوان مواد اولیه تبلیغات استفاده می‌شود.

منتقدان می‌گویند خطر اصلی در یک صحنه یا یک دیالوگ نیست، بلکه در تکرار است. وقتی پوشش و روابطی که با هنجار غالب جامعه فاصله دارند بارها و بارها در قالب «زندگی عادی» نشان داده شوند، مخاطب به‌تدریج آن را عادی می‌پندارد. این فرایند آرام و بی‌سروصداست و اثرش پس از سال‌ها دیده می‌شود. به باور حامیان نظارت، فرهنگی که قرن‌ها شکل گرفته، با چنین فرسایشی بی‌صدا تضعیف می‌شود.

بعد دیگر، اقتصادی است. بسیاری از سریال‌ها شخصیت‌هایی را نشان می‌دهند که در ویلاهای مجلل، با خودروها و برندهای گران زندگی می‌کنند، بی‌آنکه منبع این ثروت معلوم باشد. برای مخاطبی که با تورم و محدودیت دست‌وپنجه نرم می‌کند، این تصویر الگویی غیرواقعی می‌سازد: احساس عقب‌ماندگی، مقایسه دائمی و فشار برای مصرف فراتر از توان. آنچه روی پرده «زندگی عادی» نشان داده می‌شود، برای بیشتر مردم دست‌نیافتنی است و می‌تواند به نارضایتی و رفتارهای پرهزینه بینجامد.

حامیان نظارت تأکید می‌کنند که هدف، تعطیل کردن پلتفرم‌ها نیست. در دنیا هم رسانه‌های تصویری بدون چارچوب رها نیستند: ردبندی سنی، ضوابط محتوایی و نهاد تنظیم‌گر تقریباً در همه کشورها وجود دارد. در ایران، به گفته رئیس ساترا، این سازمان وظیفه دارد از انتشار محتوای نامناسب، خشونت‌آمیز یا مروج بی‌اخلاقی جلوگیری کند و بر رسانه‌های صوت و تصویر فراگیر هم به‌صورت پیشینی و هم پسینی نظارت دارد. طرفداران این رویکرد می‌گویند مهم است این نظارت شفاف، مبتنی بر ضوابط روشن و قابل پیش‌بینی باشد تا هم تولیدکننده بداند چه انتظاری از او می‌رود و هم مخاطب بداند چه چیزی را تماشا می‌کند.

نکته اصلی این است که جامعه، پیش از هر چیز، باید هویت ایرانی و اسلامی خود را پاس بدارد. نوآوری و خلاقیت لازم است، اما «بی‌گدار به آب زدن» نوآوری نیست. سازنده‌ای که فقط به فروش فکر می‌کند و هزینه اجتماعی کارش را نمی‌بیند، دیر یا زود با واکنش مخاطبان و اعتماد از دست‌رفته روبه‌رو می‌شود. این همان آتشی است که اگر مهار نشود، دامن خود سازندگان و صنعتشان را هم می‌گیرد. سینما و سریال می‌تواند همزمان جذاب، خلاق و پایبند به ارزش‌های فرهنگی باشد. آثار ماندگار تاریخ تلویزیون ایران نشان می‌دهد که قصه خوب به جنجال نیاز ندارد. نظارت منصفانه و قاعده‌مند، اگر با گفت‌وگو با سازندگان همراه باشد، می‌تواند به ارتقای کیفیت هم کمک کند.

بحث نظارت در عمل مناقشه‌برانگیز است و منتقدان نکات مهمی مطرح کرده‌اند:

تعارض منافع: برخی تحلیل‌ها می‌گویند چون صداوسیما خودش رقیب این پلتفرم‌هاست، نظارت آن بر پلتفرم‌ها ذیل قاعده «تعارض منافع» مورد نقد قرار گرفته‌است. نظارت یا کنترل؟ منتقدان معتقدند قانون وظیفه نظارت بر محتوا را محول کرده، نه کنترل محتوا و تولید.

پیامد برای مخاطب: گزارش‌ها حاکی است وقتی پخش یک سریال با مشکل نظارتی مواجه می‌شود، کاربران برای تماشا به وب‌سایت‌های غیررسمی مراجعه می‌کنند و پلتفرم‌ها مخاطب خود را از دست می‌دهند. به این ترتیب، محتوا از زیر نظارت خارج می‌شود. روش نظارت: یک تهیه‌کننده شناخته‌شده این حوزه معتقد است که روش فعلی نظارت درست نیست و در درازمدت نمی‌توان از آن انتظار نتیجه مثبت داشت.

« آگهی مناقصه عمومی »

دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج در نظر دارد نسبت به خرید یک دستگاه چیلر تراکمی هواخنک به ظرفیت ۸۵ تن تبرید واقعی و دو دستگاه هوارسان به ظرفیت های ۲۰۰۰۰ و ۱۸۰۰۰ سی اف ام از طریق مناقصه عمومی از تولید کننده و سازنده واجد شرایط اقدام نماید. لذا اشخاص حقیقی و حقوقی واجد شرایط می توانند، ضمن بازدید از محل های انجام کار و شرایط کارو هماهنگی اداره کل فنی و طرح های عمرانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج با در دست داشتن فیش واریزی به مبلغ ۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال به حساب سیبا شماره ۰۱۰۵۷۱۷۱۰۵۰۰۷ بانک ملی شعبه خیابان آزادی رجایی شهر بابت خرید اسناد مناقصه (غیرقابل استرداد) ، جهت دریافت اسناد با مراجعه به دبیرخانه کمیسیون معاملات واقع در کرج – انتهای رجایی شهر – بلوار شهید موذن – ساختمان اداری طبقه سوم در مناقصه شرکت نمایند.

*** سایر شرایط ***

۱- آخرین مهلت بازدید، خرید اسناد، تکمیل و تحویل فرم اسنادو پیشنهادقیمت، تا ده روز کاری پس از تاریخ آگهی روزنامه می باشد.

۲- هزینه درج آگهی در روزنامه ها و فضای مجاز ببه عهده برنده مناقصه می باشد.

۳- شرکت کنندگان در مناقصه ملزم به واریز مبلغ ۷/۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال به عنوان سپرده شرکت در مناقصه به صورت نقدی به حساب سیبا شماره ۰۱۷۷۰۱۶۰۷۶۴۵۶ بانک تجارت یا ضمانت نامه بانکی مطابق اسناد می باشند.

۴- دانشگاه در رد یا قبول هر یک یا تمامی پیشنهادات مختار است.

۵- سایر شرایط در فرم اسناد مناقصه مندرج و برای تمامی شرکت کنندگان الزام آور است.

روابط عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج

آگهی فقدان سند مالکیت

نظر به اینکه علیرضا شایگان نو برابر در خواست وارده شماره ۱۰۳۵۹۱۱ - ۱۴۰۵/۰۷/۲۹۵ اعلام داشته که سند مالکیت مقدار یک دانگ مشاع از ششدانگ یکبابخانه به شماره ۱۸۷ فرعی از ۴۵۸۸ اصلی واقع در بخش یک اردبیل بشرح دفتر الکترونیکی شماره ۱۳۹۷۲۰۳۰۳۰۰۱۰۱۱۱۵۷ صفحه ذیل ثبت و سند مالکیت شماره چاپی ۱۴۷۸۶۱ سری الف سال ۹۷ بنام نامبرده ثبت و صادر شده است، به علت نا معلوم مفقود و پس از جستجوی کامل پیدا نشده ، لذا طبق تبصره یک ماده ۱۲۰ آیین نامه اصلاحی قانون ثبت تقاضای صدور سند مالکیت المثنی را نموده است که مراتب طی شماره یکتا ۲۹۷۳۰۳۱۴۰۵۸۰۰۱۹۱۰۳۰۰۰۳۱۱ مورخه ۱۴۰۵/۰۸/۰۶ به کلیه دفاتر اسناد رسمی بخشنامه گردیده حال موضوع یک بار در روزنامه آگهی می گردد، تا هرکس هرگونه ادعای به وجود سند مالکیت یا سند معامله نزد خود داشته باشد، ظرف مدت ده روز پس از تاریخ انتشار این آگهی اصل سند مالکیت را با اخذ رسید تسلیم این اداره نمایند، بدیهی است پس از انقضای مدت مقرره اداره ثبت نسبت به صدور سند مالکیت المثنی بنام علیرضا شایگان نو قدام خواهد شد.

رئیس اداره ثبت اسناد اسناد و املاک منطقه اردبیل – احمدیان

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۸/۲۷

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۲۲۱۰۰۰۹۳۶۱ مورخ ۱۴۰۵/۰۷/۱۳ هیات اول دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک جنوب شرق اصفهان تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی آقای محمد گلبان به شناسنامه شماره ۲۲۵ کد ملی ۱۲۸۸۳۰۴۴۹۸ صادره فرزند حسین در ششدانگ یک قطعه زمین با کاربری کشاورزی بدون درج اعیانی به مساحت ۱۰۸۴/۸۲ متر مربع مجزا شده از پلاک شماره ۱۳۰ اصلی واقع در اصفهان بخش ۲۰ حوزه ثبت ملک جنوب شرق اصفهان تأئید انتقال عادی مع الواسطه از طرف غلامعلی زارع برسیانی که به موجب سند ۴۴۲۴۰ مورخ ۱۳۴۸/۰۱/۲۳ دفتر خانه ۲۹ اصفهان به عنوان مالک رسمی قسمتی از پلاک می باشد محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود، در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند، می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

مهدی صادقی وصفی - اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک جنوب شرق اصفهان

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۸/۱۲

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۸/۲۷

شناسه آگهی: ۲۳۱۶۴۱۹

مفقودی

برگ سبز و سند کمپانی خودرو پژو ۲۰۶ مدل ۱۳۸۴ پلاک ۷۳۴ ق ۲۲ ایران ۵۶ ،شماره موتور ۱۰FSS۱۴۹۹۱۴۱۷،شماره شاسی ۱۹۸۱۱۴۷۳ بنام رضا رحمتی زیمساری مفقود گردید و فاقد اعتبار است.

گیلان

مفقودی

سند شناسنامه برگ سبز تاکسی پراید GLXi ،مدل ۱۳۸۸،پلاک ۴۷۲ ت ۴۸ ایران ۴۶،شماره موتور ۳۲۱۵۰۳۵ شماره شاسی S۱۴۱۲۲۸۸۰۸۳۹۱۷ بنام رحیم دیودل مفقود گردید و فاقد اعتبار است.

گیلان

مفقودی

برگ سبز و سند کمپانی خودرو سایپا ۱۳۲ مدل ۱۳۸۹،پلاک ۷۳۲ ق ۷۵ ایران ۵۶،شماره موتور ۳۷۶۲۸۱۳ ،شماره شاسی S۱۴۲۲۸۹۲۰۴۵۱۳ بنام سید علی موسوی مناره بازاری مفقود گردید و فاقد اعتبار است.

گیلان

مفقودی

برگ سبز و سند کمپانی خودرو پراید صبا GT مدل ۱۳۷۵،پلاک ۸۱۷ ق ۱۸ ایران ۵۶،شماره موتور ۰۰۰۰۶۷۱۳،شماره شاسی S۱۴۱۲۲۷۵۵۱۳۲۳۷ بنام علی رضا کریمی عربانی مفقود گردید و فاقد اعتبار است.

گیلان

مفقودی

سند برگ سبز (شناسنامه مالکیت) کامیون باری فلزی کامیاز تیپ ۶۵۲۰- ۴۶/۰۶،گازوئیلی،مدل ۱۳۹۲،رنگ نارنجی،شماره پلاک ۶۶۲ ع ۶۲ ایران ۴۶،شماره موتور ۷۴۰۵۰۰۸۲۵۰۶۴۰۰،شماره شاسی NAX۶۵۲۰۶۹D۰۰۱۰۶۶۵ بنام فرهاد حبیب نیای کنفگورابی مفقود گردید و فاقد اعتبار است.

گیلان

مفقودی

برگ سبز خودرو سواری پراید GTXi رنگ نقره‌ای،مدل ۱۳۸۵،شماره پلاک ۸۴۳ ن ۹۷ ایران ۴۶،شماره موتور ۱۶۶۵۵۸۴،شماره شاسی S۱۴۱۲۲۸۵۹۲۱۹۲۷ بنام سیده آمنه اسماعیلی پور تسیه مفقود گردید و فاقد اعتبار است.

گیلان

مفقودی

سند کمپانی کامیون باری فلزی کامیاز تیپ ۶۵۲۰- ۴۶/۰۶،گازوئیلی،مدل ۱۳۹۲،رنگ نارنجی،شماره پلاک ۶۶۲ ع ۶۲ ایران ۴۶،شماره موتور ۷۴۰۵۰۰۸۲۵۰۶۴۰۰،شماره شاسی NAX۶۵۲۰۶۹D۰۰۱۰۶۶۵ بنام فرهاد حبیب نیای کنفگورابی مفقود گردید و فاقد اعتبار است.

گیلان

سازمان آگهی‌های روزنامه جوان تلفنی آگهی می‌پذیرد

۸۸۵۴۵۴۸۸